

نمایش خلاق: تجسم و تقویت حس شنیداری

فرزانه فرازمنده، دانشجوی دکترای ادبیات فارسی

با تجسس و تفحص در پدیده‌های هستی و با به‌کارگیری شیوه‌های منطقی و عقلانی به دنبال پاسخ سوالات خود باشد و در واقع علت‌ها و معلول‌ها را کشف و سپس به تولید علم و ابزار آن برسد.

گاهی نیز این رابطه با پدیده‌های هستی بر مبنای شناخت حواس پنج‌گانه از کشف رابطه علت و معلولی می‌گذرد و قصد دارد با تجسم برتر و متفاوت پدیده‌های هستی نقش‌های زیبایی‌شناسانه به آن‌ها بدهد و با زاویه دیدی دیگرگون روابطی زیبا یا خاص را تجسم و خلق کند که به آن هنر می‌گوییم.

در این تعریف حواس پنج‌گانه شناخت اولیه را به دست می‌آورند و روابط را می‌بینند و کشف می‌کنند یا از یافته‌های دیگران بهره می‌برند و با نگاهی متفاوت به پدیده‌های هستی و جهان به دنبال کشف پیوندهای تازه و شگفت برمی‌آیند چه این پیوند میان نَت‌ها باشد برای تولید موسیقی، چه بین خطوط و رنگ‌ها باشد برای نقاشی و هر نوعی دیگر از هنر.

اکنون با این بیان کوتاه توجهی کوتاه به تقویت حس شنوایی در نمایش خلاق برای رساندن کودک به شناخت‌های دقیق‌تر و تولید تجسم خلاق در آن‌ها خواهیم پرداخت:

واضح است که این نردبان نیز در فرایند تولید نمایش خلاق پلکانی دارد که باید مرحله‌به‌مرحله و قدم‌به‌قدم از آن عبور کرد تا از تقویت حس شنوایی به تجسم خلاق توام با صدا دست یافت و این مرحله گامی پیش‌رفته‌تر از شناخت و تشخیص و گاه تولید صدا است؛ زیرا این‌جا است که کودک با هدایت مربی می‌تواند از شنیدن، شناختن و تشخیص دادن تمایز صدا با ایجاد روابطی متفاوت با پدیده‌های اطراف خود، صداها را تجسم کند و با ذهن خلاق خود و برخوردارگی از روحیه جان‌بخشی و حس‌آمیزی صدای شخصیت‌های متفاوت (واقعی یا خیالی) خود را خلق کند و علاوه بر آن به آفرینش مکالمات و جریانات و تولید نمایش برسد. اغلب مربیان تاکنون بازی‌های متنوعی برای تقویت حس شنوایی در کلاس‌های خود انجام داده‌اند

نمایش خلاق فعالیتی است که می‌تواند برای همه رده‌های سنی از کودک تا بزرگسال جذاب باشد و معلمان می‌توانند با استفاده خلاقانه و پیوند موضوعات درسی با آن، یادگیری را برای کودکان لذت بخش‌تر و آسان‌تر کنند.

از شماره گذشته بنا گذاشته شد تا در مشارکت با شما مطالبی از فعالیت‌هایی که در کلاس‌های خود با محوریت نمایش خلاق انجام می‌دهید را ارسال کنید تا زیر نظر کارشناس این بخش «خانم فرزانه فرازمنده» به چاپ برسد تا همه هم‌کاران بتوانند از تجارب یکدیگر استفاده کنند. قدم اول را برای تبادل تجربیات در این مسیر خانم «طاہره حاجی حسینی» از پیش دبستان دخترانه دوره اول ناحیه دو برداشته‌اند.

تجسم از برجسته‌ترین خواص و عناصر تولید هنر است. هنرمند برای تولید هنر از هر نوعی که باشد به تجسمی قوی نیاز دارد، تجسمی سه بعدی و همه‌جانبه که در آن حواس پنج‌گانه با شناخت و کشف واقعیات تازه حضور دارند و می‌توانند بین ذهن و پدیده‌های هستی حداقل سه نوع رابطه، که عبارتند از رابطه عادی، عالی و هنرمندانه، ایجاد کنند.

آن‌چه از رابطه ذهن و حواس پنج‌گانه به تجسم می‌رسد گاه می‌تواند تبدیل به رابطه‌ای عادی شود و خاطرات ما را بسازد؛ رابطه‌ای کاملاً معمولی با جهان و ذهن برقرار کند. رابطه‌هایی که همه مردم قادر به ایجاد آن هستند و در یک شرایط جاری علت‌ها و معلول‌ها را بیان کند و نشان دهد.

این رابطه گاه می‌تواند از یک رابطه عادی به یک رابطه عالی تبدیل شود، رابطه‌ای که در آن ذهن

دو نوع از این بازی‌ها به قرار زیر است:

بازی دور و نزدیک:

شرح این بازی چنین است که مثلاً یک وسیله خاص را در کلاس با مشارکت همه دانش‌آموزان به جز یک نفر در نظر می‌گیریم یا آن را در غیاب دانش‌آموز جابه‌جا می‌کنیم سپس با حضور او برای یافتن یا کشف جابه‌جایی آن شیء با ضربه‌های کوتاه و بلند اقدام به هدایت فرد می‌کنیم تا مورد را پیدا کند.

کشف صدا با چشم بسته:

بدین شرح که چشم یکی از دانش‌آموزان را می‌بندیم و در یک دایره از دوستانش قرار می‌دهیم بعد از دوستانش می‌خواهیم تا صدای خود یا یک حیوان را تولید کنند، دانش‌آموز چشم بسته‌ی وسط دایره باید هم به سمت صدا برود و هم بفهمد صدا از کیست و صدای چیست. بازی‌هایی از این قبیل که نمونه‌ای از آن را خانم حاجی‌حسینی نیز ارائه داده‌اند و در ادامه می‌خوانید.



در راستای اهمیت دقت شنیداری یک بازی طراحی کردم که شروع آن با تعریف کردن یک قصه هم‌راه است. قصه: یکی بود یکی نبود در روستا زیبا پیرمردی مهربان زندگی می‌کرد. پیرمرد مزرعه‌ای داشت که مزرعه‌اش را خیلی دوست داشت. او در مزرعه‌اش حیواناتی داشت که آن‌ها را هم خیلی دوست داشت. گاو، گوسفند، سگ، مرغ و ...

خروس مزرعه‌ی پیرمرد مریض شده بود و دیگر نمی‌توانست هر روز صبح حیوانات را از خواب بیدار کند. از قضا حیوانات پیرمرد خیلی خواب‌شان سنگین بود و آن‌چنان خواب عمیقی می‌رفتند که با هیچ صدایی بیدار نمی‌شدند. پیرمرد فکری کرد و تصمیم گرفت صداهایی تولید کند که دلنشین و زیبا باشند. او فکر کرد و فکر کرد و در آخر به یک نتیجه خوب رسید. پیرمرد نوه‌ای داشت به اسم امید که پسر خیلی باهوشی بود. امید سازهای موسیقی زیادی داشت؛ بلز، فلوت، تنبک و پیرمرد برای هر کدام از حیوانات یک ساز موسیقی خاص را در نظر گرفت و تصمیم گرفت هر کدام از گروه حیوانات را با صدایی خاص بیدار کند و آن‌ها را به آن صدا عادت بدهد.

مثلاً: گاوها را با بلز، گوسفندان را با فلوت، مرغ‌ها را با تنبک و ... (اگر هیچ کدام از این سازها در دسترس مربی نبود می‌تواند از امکانات کلاس استفاده کند (مثل لیوان پر از مدام)

در این بازی معلم با نشان دادن سازهای موسیقی بچه‌ها را به شنیدن داستان علاقه‌مند می‌کند، بعد از آن که بچه‌ها با داستان آشنا شدند معلم بچه‌ها را به گروه‌های مساوی تقسیم می‌کند. گروهی نقش گاو، گروهی گوسفند و ... سپس قبل از شروع داستان استفاده از حرکات بدن و

تولید صدای هر حیوان را با بچه‌ها تمرین می‌کند که خود یک نمایش خلاق است (حرکات بدن و ایجاد صدا). بعد از آن معلم برای هر گروه یک ساز در نظر می‌گیرد و ابتدا با بچه‌ها تمرین می‌کند. بعد از آن به حیاط یا نمازخانه می‌روند (به علت بزرگتر بودن و فضای باز) هر گروه به یک مکان می‌روند.

معلم داستان را شروع می‌کند در طول داستان بچه‌ها صدای حیوان مخصوص به خود را تولید می‌کنند و حرکات آن حیوان را نیز انجام می‌دهند. شب می‌شود بچه‌ها (حیوانات) می‌خوابند و این‌جا است که کار معلم شروع می‌شود. او باید بدون آن که بچه‌ها متوجه شوند یک ساز را بردارد و بنوازد، بچه‌ها باید توجه کنند که اگر آن ساز مخصوص آن‌ها است، بیدار شوند اگر نه به خواب ادامه دهند.

در این روش نیز با نمونه‌ای روبه‌رو هستیم که مربی در پی تقویت حس شنوایی است و نکته مثبت کار خانم حاجی‌حسینی تلفیق این برنامه با قصه‌گویی است. قصه‌ای که در آن پیرمرد با استفاده از ساز و شرطی کردن حیواناتش موفق می‌شود مشکل خود را حل کند.

با تشکر از هم‌کاران خوب‌مان. ایشان و سایر مربیان عزیز را دعوت می‌کنیم تا تجارب مشابه خود را در حوزه نمایش خلاق از طریق ارسال یادداشت‌های خود به ایمیل نشریه، با یکدیگر به اشتراک بگذارند.